دریچه

مشق خط در مدارس

خوشنویسی در مقطع ابتدایی تدریس می‌شود

در روزگاری که دانش‌آموز ابتدایی برای نوشتن یک کلمه چند بار مداد را زمین می‌گذارد و از نو شروع می‌کند، قلم و کاغذ آرام‌آرام به حاشیه رانده می‌شود. دیگر کسی حوصله خواندن متن بلند ندارد و نوشتن چند سطر نامه با دست تبدیل به کاری سخت شده است. گوشی‌ها خواندن را به تماشا و نوشتن را به لمس کردن تبدیل کرده‌اند و حاصل آن نسلی است که در خواندن بی‌حوصله و در نوشتن کند و بدخط است. در چنین شرایطی، آموزش خط خوب در مدرسه نه تجملی آموزشی، بلکه ضرورتی حیاتی است. شاید وقت آن رسیده که «مشق خط» از حاشیه برنامه درسی به متن آن بازگردد و مدارس مسئولیت آموزش خوشنویسی را جدی بگیرند. اکنون وزارت آموزش و پرورش ایران رسما کتاب کار «آموزش خط تحریری» را معرفی و به‌تدریج آن را در دوره دوم ابتدایی اجرا می‌کند.

کتاب کار نونگاشت «آموزش خط تحریری پایه‌های چهارم، پنجم و ششم» که از سوی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تدوین شده، امسال در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی به‌صورت سراسری و در پایه ششم نیز در ۸ استان کشور به‌صورت آزمایشی تدریس می‌شود. در پایه چهارم، آموزش حروف و شکل صحیح نگارش آنها در قالب حروف جداگانه مورد توجه قرار دارد؛ در پایه پنجم، تمرکز بر چگونگی اتصال حروف و شکل‌گیری کلمات است و در پایه ششم هم آموزش به سطح جمله‌نویسی و تمرین متون گسترده‌تر می‌رسد. این توالی آموزشی به دانش‌آموز کمک می‌کند تا از شناخت شکل صحیح حروف به مهارت ترکیب و اتصال آنها برسد و در نهایت بتواند آموخته‌های خود را در نوشتن جمله‌ها و متن‌های مختلف به‌کار گیرد. حسین اقبال‌پور، خطاط و مدرس خوشنویسی در این باره به همشهری می‌گوید: «آموزش خط زیبا و متناسب نه یک درس و فعالیت فرعی، بلکه وظیفه و سرمایه‌گذاری برای کودکان است. حتی کودکان کم‌سن و سال هم استعداد زیادی برای آموزش خوشنویسی دارند که آن را نشان خواهند داد.» او تأکید می‌کند: «نکته مهم استفاده از ابزار مناسب است. خط خوش پدران و پدربزرگ‌های ما به‌دلیل استفاده از خودنویس بود که در زوایای مختلف و به تناسب فشار بر کاغذ جلوه‌های متفاوتی داشت. الان استفاده از جوهر و خودنویس برای دانش‌آموزان راحت نیست، اما می‌شود از ابزارهای مشابهی مانند روان‌نویس استفاده کرد. وقتی کودک در کلاس به‌جای مداد که قابل پاک کردن و اصلاح کردن است از روان‌نویس استفاده کند، دقت و تمرکز بیشتری روی دستخط خود خواهد داشت.»



۳ ماه آموزش برای روز مبادا

جان‌فدایان، آموزش رزم انفرادی، جنگ‌افزارشناسی، آمادگی دفاعی و رزم در کوهستان می‌بینند

جامعه امروز

فاطمه عسکری‌نیا | روزنامه‌نگار | صدای فرماندهان و رفت‌وآمد نیروهای نظامی، حال‌وهوای متفاوتی به پادگان حضرت جوادالائمه(ع) داده است. اینجا قرار است گروهی از داوطلبان جان‌فدای میهن، دوره آموزشی را پشت سر بگذارند؛ دوره‌ای که پیش از این بیشتر در میدان‌ها و پادگان‌های سطح شهر برگزار می‌شد، اما حالا برای نخستین‌بار در یک مرکز آموزشی ارتش، شکل جدی‌تری به‌خود گرفته است. افتتاح نخستین دوره پیش‌مقدماتی گردان‌های جان‌فدایان کشور در این پادگان، آغاز مسیری است که قرار است داوطلبان را با بخشی از مهارت‌های نظامی، امدادی و دفاعی آشنا کند. مراسم افتتاحیه این مرکز آموزشی با حضور امیر سرتیپ دوم محمدرضا علیان‌نژاد، معاون تربیت و آموزش ارتش و جمعی از فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای چهارگانه ارتش برگزار شد. قرار است شرکت‌کنندگان در این دوره حدود ۳ماه آموزش ببینند؛ آموزش‌هایی که از رزم انفرادی و جنگ‌افزارشناسی تا آمادگی دفاعی، رزم در کوهستان و مهارت‌های امداد و نجات را در بر می‌گیرد.



عکس: همشهری/ حامد خورشیدی

> ارتش مأموریت دارد به گروهی از داوطلبانی که عنوان جان‌فدا را برای خود انتخاب کرده‌اند آموزش دهد

آموزش تا آخرین داوطلب

در مراسم افتتاحیه، معاون تربیت و آموزش ارتش از واگذاری مأموریتی تازه به این نیرو برای آموزش داوطلبان جان‌فدا خبر داد. امیر سرتیپ دوم محمدرضا علیان‌نژاد با اشاره به ظرفیت جوانان داوطلب و آمادگی آنها برای دفاع از کشور گفت: «ارتش جمهوری اسلامی ایران، سالانه ده‌ها هزار نفر از جوانان را در قالب نیروهای وظیفه، درجه‌دار و دانشجو جذب و در مراکز آموزشی خود تربیت می‌کند و حالا مأموریت دارد گروهی از داوطلبانی که عنوان جان‌فدا را برای خود انتخاب کرده‌اند آموزش دهد.

او تأکید کرد، این مأموریت تا آخرین نفر از داوطلبان ادامه خواهد داشت و دوره‌های آموزشی با همکاری سازمان بسیج مستضعفان طراحی شده‌اند». به گفته علیان‌نژاد، آموزش‌های مهارتی و نظامی، امداد و نجات، جنگ شهری و آشنایی با نحوه به‌کارگیری تجهیزات و سامانه‌های نظامی از محورهای این برنامه است. او همچنین میان آموزش‌های مقدماتی در میدان‌ها و مراکز اولیه با دوره‌های عملیاتی و رزمی در پادگان‌های ارتش تفاوت قائل شد و توضیح داد که هدف از حضور داوطلبان در مراکز آموزشی ارتش، کسب آمادگی بیشتر برای ایفای نقش در مأموریت‌های احتمالی است.

نخستین تجربه آموزش در یک پادگان نظامی

تفاوت این دوره با برنامه‌های قبلی، فقط در محل برگزاری آن نیست؛ تا پیش از این، آموزش‌های جان‌فدایان عمدتا در میدان‌ها و پادگان‌های شهری انجام می‌شد، اما حالا یک پادگان آموزشی ارتش، میزبان این داوطلبان است؛ موضوعی که به گفته مسئولان، امکان استفاده از تجهیزات و امکانات تخصصی‌تر را فراهم می‌کند.

سرتیپ دوم ستاد حسین دادوند، فرمانده مرکز آموزش درجه‌داری جوادالائمه با اشاره به همین تفاوت می‌گوید: «آموزش‌های جان‌فدایان تا امروز بیشتر در میدان‌های بزرگ شهر تهران برگزار می‌شد، اما این مرکز نخستین مجموعه‌ای است که آموزش جان‌فدایان در داخل یک پادگان نظامی در آن دنبال می‌شود. هدف ما ارائه آموزش‌های تئوری، مهارتی و میدانی به داوطلبان دفاع از میهن است.»

به گفته او، در این مرکز آموزش‌هایی مانند امداد و نجات، خودامدادی و دیگرامدادی، تیراندازی، عبور از موانع، جنگ شهری و تقویت اعتمادبه‌نفس پیش‌بینی شده است؛ مهارت‌هایی که قرار است در قالب یک دوره آموزشی به شرکت‌کنندگان ارائه شود تا در شرایط مورد نیاز بتوانند از آنها استفاده کنند.

دادوند معتقد است، برگزاری آموزش‌ها در محیط تخصصی پادگان، دست مربیان را برای استفاده از امکانات و تجهیزات آموزشی بازتر می‌کند. به گفته او، در میدان‌های شهری ممکن است همه تجهیزات و امکانات مورد نیاز در دسترس نباشد، اما در یک مرکز نظامی می‌توان آموزش‌ها را کامل‌تر و متناسب‌تر با اهداف دوره پیش برد.

داده نما

مدرسه ایرانی امارات بازگشایی می‌شود؟

مدرسه کی تعطیل شد؟
۲۱ اسفند ۱۴۰۴ با حکم دولت امارات

چند دانش‌آموز داشت؟
۲۵۰۰ دانش‌آموز در این مدرسه درس می‌خواندند.

چند دانش‌آموز بدون مدرسه ماندند؟
۱۳۰۰ دانش‌آموز ایرانی با وجود شرایط جنگی در امارات مانده بودند.

تحصیل چطور ادامه یافت؟
سرپرستی مدارس ایران در ترکیه، آموزش دانش‌آموزان امارات را به‌صورت مجازی ادامه داد.

امتحانات چطور برگزار شد؟
با تأکید رئیس‌جمهور، آزمون مجازی برای این مدرسه تصویب شد.

کی باز می‌شود؟
رئیس مدارس خارج از کشور از پیگیری‌ها برای بازگشایی مدرسه ایرانی امارات خبر داد.

صفحه‌آرا: حامد یزدانی



جابه‌جایی سرو ۲۵۰ ساله و یک سؤال مهم

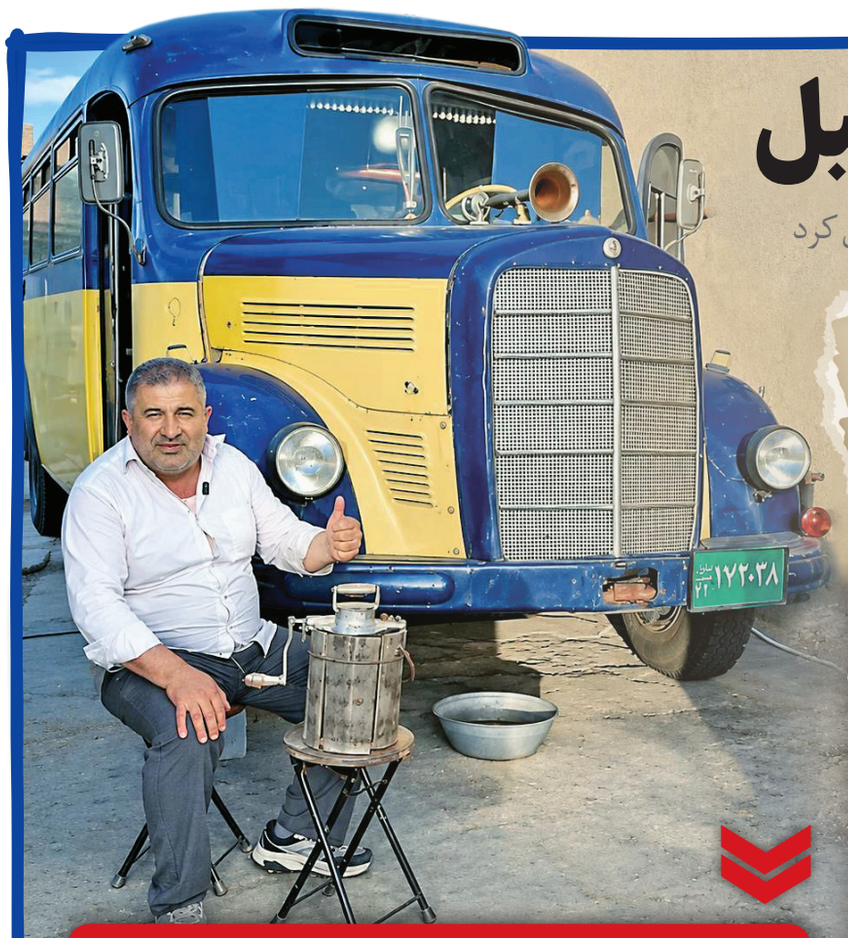
در ۲۴ ساعت گذشته، یکی از ویدئوهایی که فضای مجازی را به تسخیر خود در آورد، تصویر جابه‌جایی سرو ۲۵۰ ساله شیراز بود. این ویدئوی کوتاه که گویا از طرف مسئولان این کار عجیب منتشر شد، با توضیحاتی همراه بود که خود، سؤالات و ابهامات زیادی ایجاد کرد؛ چرا که گوینده، دلیل جابه‌جایی این سرو ۲۵۰ ساله را حفظ آن از آسیب‌های ساخت‌وساز اعلام کرد. هر چند بسیاری از این ایده به‌دلیل ابعاد پروژه و وزن ۶۰ تُنی درخت استقبال کردند اما بسیاری هم از احتمال خشکیدن این درخت قدیمی در خانه جدید و همچنین در نقد چنین تصمیمی که نشان از اولویت ساخت‌وساز در باغ‌های شیراز دارد، نوشتند.

اتوبوسی به مقصد ۷۰ سال قبل

گفت‌وگو با مالک موزه سیار ایران که اتوبوس ۷۰ ساله زندان شیراز را به پاتوق عشاق تاریخ تبدیل کرد

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | حدود سال ۱۳۴۲، یک درمیان روی صندلی‌های اتوبوس، مأمور شهربانی نشسته و زندانی دست‌بسته. جاگیر که می‌شوند، راننده، اتوبوس را تیز می‌راند تا مقصد. مقصد ۲ کیلومتر دورتر است؛ زندان ارگ شیراز (ارگ کریم‌خان‌زند). مبدأ نیز همیشه، ساختمان دادگستری شیراز در فلکه شهرداری است. مسافران و حتی راننده آن روزگار اتوبوس نمی‌دانستند که سال‌های سال بعد، زین‌العابدین غفاری، ۷۳ ساله، مکانیک و راهبر خودروهای جاده‌ای، می‌نشیند پشت فرمان همان اتوبوس که به موزه سیار ایران تبدیل شده‌است.



باک موزه سیار زندان زند خالی است

دریغ از یک قطره گازوئیل که طی چندماه اخیر به باک اتوبوس بنز دماغه‌دار (موزه سیار زندان کریم‌خان‌زند) چکیده باشد. آخرین باری که باک آن از گازوئیل پر بود، زین‌العابدین رانده بودش تا وسط حیاط مدرسه‌ای در یکی از محله‌های جنوبی شیراز. زین‌العابدین آن روز را خوب به‌خاطر دارد: «بعد از خیابونگردی، بیشترین جایی که با اتوبوس موزه می‌رفتم، مدارس بود. مدیرای مدرسه مشتری ثابت موزه سیارم بودن، البته بی‌خود هم نبود. بالاخره با وجود این اتوبوسو، هم می‌تونستن اردوی متفاوت در محل برگزار کنن، هم دانش‌آموزاشون از یه موزه عجیب بازدید کنن.» از بعد از آن آخرین باک پر، اتوبوس زرد و سرمه‌ای موزه، گوشه گاراژ نادر، رفیق گرمابه و گلستان زین‌العابدین، جا خوش کرده‌است. روزهای بیکاری و بی‌پولی برای زین‌العابدین سخت می‌گذرد: «سخته ولی ته دلم روشنه که دیر یا زود پیگیری‌هام نتیجه می‌دن.» کوتاه از پیگیری‌هایش می‌گوید: «به هر حال این موزه خاص مجوز فعالیت از اداره میراث فرهنگی داره و نمی‌شه که ازش حمایت نشه. چندتا نامه برای شهرداری و میراث فرهنگی شیراز و تهران نوشتم. منتظر جوابشونم. مشکل اینه که ماشین‌های تاریخی، سهمیه گازوئیل ندارن.» حالا کمی هم از علت روشنی دل و امیدوار ماندن می‌گوید: «این آخرایی که عکس و فیلمای زیادی از اتوبوس موزه‌ایم توی اینترنت پخش شد مردم با حرفاشون بهم امید دادن؛ یکی می‌گفت مرسی که خسیس نیستی و کلکسیون گرونت رو ارزون به ما نشون می‌دی. یا یکی دیگه که می‌گفت آدرس بده برات گازوئیل می‌فرستم.»

دست به فرمان اتوبوس موزه سیار

خیلی پیش‌تر از اینکه پشت فرمان موزه متفاوتش بنشیند و خیابان‌های شیراز را بگردد، مجموعه‌دار بوده و هنوز هم هست: «از بچگی عاشق وسایل قدیمی و کهنه بودم. همین که دستم رفت تو جیب خودم، خریدن آنتیک و عتیقه رو شروع کردم؛ از قفل در خونه‌های اعیونی، نعل اسبای قشون قاجاری و بشقابای شاهی تا نخستین ماشین آمبولانسی که کمتر از ۱۰۰ سال پیش به بهداری شیراز اهدا شده بود.» حساب دقیق اشیای مجموعه‌هایش را ندارد: «شاید ۹۰۰ تا باشن که ۱۴۰ تاشون رو تو محفظه‌های شیشه‌ای اتوبوس موزه چیدم.» موزه سیار برای زین‌العابدین سوای از همه اشیای قدیمی است که تاکنون خریده و جمع کرده‌است: «این اتوبوسو، نخستین موزه سیار ایرانه. برای داشتنش خیلی سال صبر کردم. خیلی از جیب خرج کردم.» از روزی می‌گوید که اتوبوس آلمانی بنز دماغه‌دار شهربانی شیراز چشمش را گرفت: «قصه و کتاب تاریخی دوست دارم. یه روز یه جایی در مورد اتوبوسی خوندم که دهه ۴۰ دولت آلمان به حکومت وقت ایران اهدا کرده بود. اون بنز قرص و محکم با ۲۰ صندلی چرمی و پنجره‌های کوچک، تو خط زندان ارگ-دادگستری، زندانیا و ماموری شهربانی رو جابه‌جا می‌کرد؛ اگه اشتباه نکنم حدود ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵.» آخرین راننده اتوبوس خط زندان ارگ-دادگستری را هم می‌شناسد: «خدارحمتش کنه باقرشوفر صداش می‌کردن. آدم راست و درستی بود. با واسطه به نقل از اون به گوشم رسید که اتوبوس زندان کریم‌خان‌زند، افتاده دست مالک خصوصی. پرسون پرسون مالک خصوصی رو پیدا کردم. رفتم سراغش تا اتوبوس رو ازش بخرم، ولی نفروخت.»

وسایل آنتیک جای زندانی نشستند

سال ۱۳۸۰ نقل‌هایی تازه از اتوبوس زندان کریم‌خان به گوش زین‌العابدین رسید: «یه آشنایی بهم گفت عامو چه نشستی که اتوبوس رویاهات توی یکی از سوله‌های ضایعاتی آهن آلات، پایین شیراز، آتیش گرفته و کسی خیالش نیست. خلاصه‌شو بگم با ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومن بالاخره اتوبوسو رو خریدم. فقط یه شاسی و یه موتور خراب ازش مونده بود. ۲ برابر قیمتش خرجش کردم تا دوباره چرخش به خیابون راه افتاد.» چند سال بعد از نونواری اتوبوس زندان کریم‌خان‌زند، به راه‌اندازی موزه سیار فکر کرد: «با خودم گفتم من که همه‌چیز یه موزه رو دارم، چرا خود موزه رو نداشته باشم. برای همین پیگیر مجوزاش شدم و گرفتم.» زین‌العابدین، روایت‌های تاریخی اتوبوس زندان را ارزش افزوده موزه سیارش می‌داند: «از همون اولی که فکر راه‌اندازی موزه با اتوبوس بودم اسمش رو زیر سر گذاشته بودم. اتوبوس زندان کریم‌خان‌زند، خیلی جذابه و خیلی سؤال‌برانگیز.» بیشترین پرسشی که از بازدیدکنندگان و مردم در مورد اتوبوس موزه سیار خود شنیده، این است: «کریم‌خان‌زند کجا و اتوبوس کجا؟ اون زمان که اتوبوس نبوده.»

مکث

آخر خط: گاراژ نادر

زین‌العابدین، همراه ۴ پسر و یک دخترش فضای داخلی موزه را طراحی کرده و ساخته است. ۲ ردیف محفظه شیشه‌ای (۴۰ در ۱۰۰ سانتی‌متر) در ۲ طرف اتاق اتوبوس موزه سیار قرار داده و میان محفظه‌ها با دقت اشیای تاریخی گنجانده است؛ چند دوربین آنالوگ، یک ترازوی مسی قاجاری، چند تلفن آنتیک، ساعت‌های شنی، چراغ‌های شاهانه و بسیاری دیگر. روزهای نخستی که اتوبوس را در خیابان‌های شیراز می‌راند مردم آن را به هم نشان می‌دادند یا شاتر به شاتر با دوربین گوشی‌های همراهشان از آن عکس برمی‌داشتند: «بازدیدکننده‌های خارجی هم داشتم. شیراز شهری توریستیه. هر وقت با اتوبوس موزه حوالی حافظیه یا سعدیه می‌گشتم کلی گردشگر فرانسوی، ژاپنی، آلمانی و ایتالیایی می‌اومدن جلو برای تماشا. مدارس و مهدکودک هم زیاد رفتم.» او اتوبوس موزه سیار خود را یک‌بار تا مرودشت برد: «یه سازمانی ازم دعوت کرد و رفتم. بد نبود، ولی راستش خیلی هزینه داشت. به هر حال ماشین تاریخیه و دردسر راه دورش زیاده.» حالا هر روز کارش این است که خود را برساند گاراژ نادر پیش رفیق گرمابه و گلستانش تا با دستمالی نم‌دار و نخی گرد و خاک موزه سیار زندان کریم‌خان را بگیرد. بعد هم یاد کند از قصه زندانیان و مأموران شهربانی که روزگاری به صندلی‌های همین اتوبوس تکیه داده بودند و نیز خوش باشد با خاطرات هزاران هزار بازدیدکننده‌ای که قدم به موزه سیار زندان کریم‌خان‌زند گذاشته‌اند.

